



از سری مباحث اقتصاد ایران (شماره ۲۱)

چشم انداز اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۶

شرکت گروه مشاوران مدیریت و مطالعات راهبردی تدبیر

اسفندماه ۱۳۹۵

بسمه تعالی

مقدمه:

اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵، دارای رشد اقتصادی مناسبتر نسبت به سال ۱۳۹۴ بوده است. لازم بذکر است پیش بینی رشد اقتصادی در سالهای ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ بترتیب حدود ۱ و ۵ درصد بوده است. یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۵، به افزایش تولید و صادرات نفت در پس از برجام مربوط می‌شود. لازم بذکر است، درآمد حاصل از فروش نفت خام در سال ۱۳۹۴، بالغ بر ۳۴ میلیارد دلار بوده است. پیش‌بینی درآمد نفت برای سال جاری نیز ۵۰ میلیارد دلار می‌باشد. بنابراین اگر برجام وجود نداشت، تداوم تحریم‌های نفتی موجب می‌شد که تولید نفت کشور طی سال جاری، معادل سال ۱۳۹۴ با درآمد ارزی معادل ۲۶ میلیارد دلار گردد. لذا برجام، در حوزه درآمدهای نفت، موجب بهبود درآمدهای ارزی به میزان ۲۴ میلیارد دلار شده است. لازم بذکر است بخشی از بهبود در آمد ۲۴ میلیاردی مربوط به افزایش قیمت نفت (از ۴۰ به ۵۰ دلار) طی ماههای اخیر بوده است که ارتباطی با برجام ندارد. اما اگر برجام وجود نداشت، ج.ا.ایران نمی‌توانست از فرصت افزایش جهانی قیمت نفت بهره‌برداری نماید.

پرسش اساسی اینستکه آیا رشد اقتصادی کنونی در سال ۱۳۹۶ تداوم و یا افزایش خواهد یافت؟ آیا همچون سال جاری، در سال ۱۳۹۶ نیز شاهد اثر نفت در رشد ارزش افزوده اقتصاد خواهیم بود؟ در این مقاله به ابعادی از پرسشهای مزبور پاسخ داده می‌شود.

۱- وضعیت قیمت نفت در سال آینده:

پیش بینی کارشناسان بین المللی، دلالت بر افزایش محدود قیمت نفت در سال آتی دارد. روند نزولی قیمت نفت در سالهای ۹۴-۱۳۹۲، موجب کاهش درآمد حدود ۷۵۰ میلیارد دلاری کشورهای عضو اوپک شد. اما پیش بینی می‌شود که در سال آتی (۱۳۹۶)، قیمت سبد اوپک از ۴۲-۴۰ دلار به ۵۵-۵۰ دلار در هر بشکه افزایش پیدا نماید.

۲- پدیده ترامپ:

با به قدرت رسیدن ترامپ، کارشناسان معتقد به افزایش نسبی قیمت نفت در دوره وی هستند. سیاستهای انرژی ترامپ مبنی بر افزایش تولید نفت غیر متعارف (شیل) و کاهش واردات نفت از سایر کشورها (مکزیک، اوپک و ...) است. افزایش تولید نفت غیر متعارف محتاج افزایش قیمت نفت متعارف می‌باشد. هر گاه همسو با سیاستهای مزبور، کشورهای اوپک نیز به سیاست کاهش سقف تولید (عرضه) پایبند باشند، می‌توان گفت که برآیند تمامی تحولات مزبور، متضمن افزایش نسبی قیمت نفت خواهد بود. همچنین باید افزود که بابه قدرت رسیدن حزب جمهوریخواه در آمریکا، معمولاً بصورت سنتی قیمت نفت رو به افزایش می‌گذارد.

۳- سهم افزایش قیمت نفت در رشد اقتصادی:

تحولات مزبور گویای اینستکه قیمت نفت دارای افزایش نسبی در سال آتی خواهد بود، اما بخش نفت نمی‌تواند همچون سال ۱۳۹۵، در رشد اقتصادی سال ۱۳۹۶ نقش آفرین تعیین کننده باشد. با توجه به اینکه بسیاری از ظرفیتهای رشد اقتصادی حاصل از بخش نفت در سال ۱۳۹۵ اشباع گردیده است، لذا نقش افزایش تولید و صادرات نفت در رشد اقتصادی برای سال ۱۳۹۶ محدود خواهد بود. بنابراین باید در پی مولفه‌های دیگر برای رشد اقتصادی «پایدار» و «مناسب» در سال آتی بود.

۴- مولفه‌های اصلی رشد اقتصادی پایدار و مناسب:

رشد اقتصادی پایدار و مناسب در ج.ا. ایران، منوط به رعایت مبانی اصلی اقتصاد مقاومتی که مبتنی بر «درون‌زایی» و «برون‌گرایی» است، می‌باشد.

۴-۱- درون‌زایی و تنوع بخشی به اقتصاد ملی:

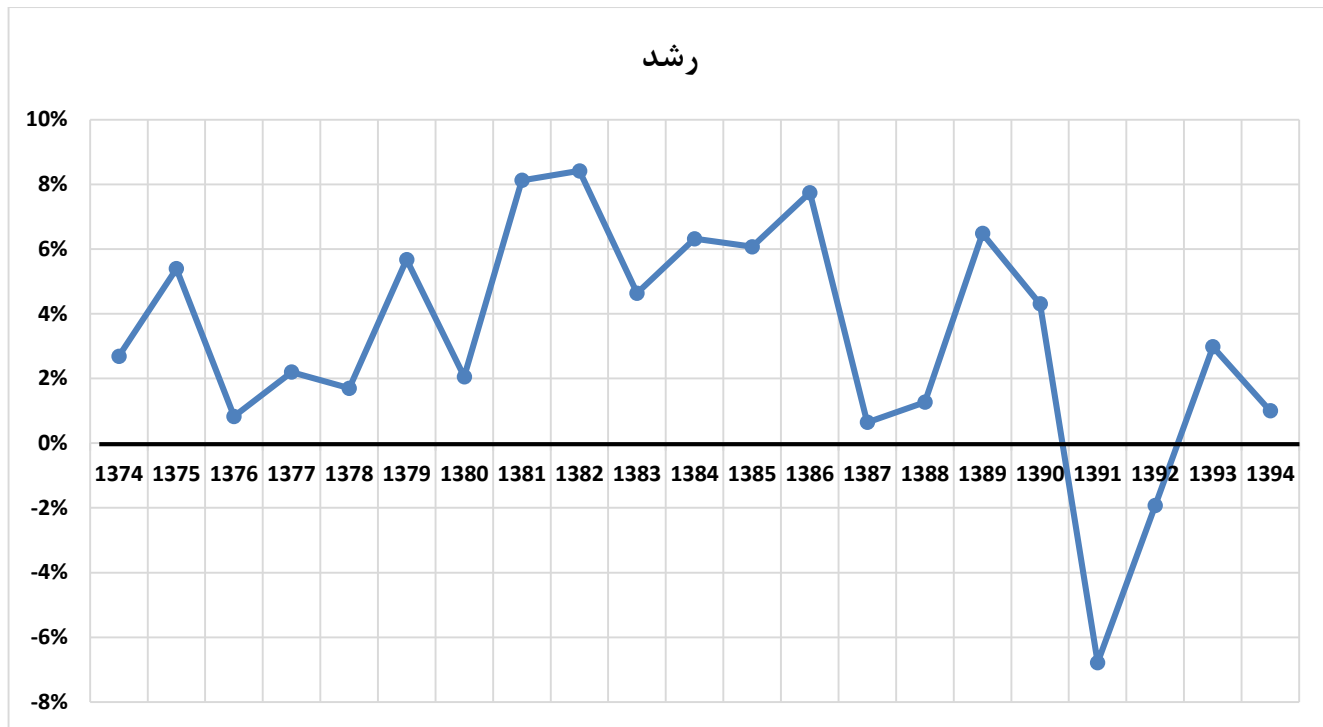
رشد اقتصادی مبتنی بر متغیر بیرونی همچون افزایش فروش نفت، پایداری لازم را نخواهد داشت و همچنین ثمرات رشد اقتصادی حاصل از متغیرهای بیرونی، برای آحاد جامعه ملموس نخواهد بود. لذا رشد اقتصادی را

باید منوط به "درون‌زایی" و "تنوع بخشی" در اقتصاد ملی نمود. رشد اقتصادی حاصل از درون‌زایی و تنوع بخشی، دارای پایداری خواهد بود.

اما رکن اصلی درون‌زایی در اقتصاد ملی، منوط به "تعیین صنایع پیشران" است. بخشهایی همچون پتروشیمی، خودرو، فلزات اساسی، گردشگری، ارتباطات، حمل و نقل و فعالیتهای دانش بنیان، از قابلیتهای مناسب و ویژگی های پیشرانی برای رشد اقتصادی درون‌زا برخوردار هستند. جالب آنستکه شرکت معتبر مشاور بین‌المللی مکینزی نیز در گزارش راهبردی مربوط به اقتصاد ایران که اخیراً منتشر کرده است، بر لزوم توجه به حوزه‌های پیشران تاکید داشته است.

تعیین صنایع پیشران، محتاج تدابیر راهبردی و الزامات مختلف است که متأسفانه تصویر روشنی از آن تا کنون ارائه نشده است. فقدان تدابیر راهبردی، موجب می‌شود که هریک از صنایع پیشران مذکور، نتوانند نقش اساسی در پایدارسازی رشد اقتصادی ایفا نمایند.

در صورت عدم توجه به این مهم، روند رشد اقتصادی کشور فاقد پایداری بوده و دارای فراز و نشیب‌های مختلفی خواهد شد. نمونه تائیدی این امر را می‌توان در وضعیت رشد اقتصادی سال ۱۳۹۳ و عدم تداوم آن در سال ۱۳۹۴ جستجو کرد. بدین معنی که عوامل اصلی نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۳، بترتیب نفت و خودرو بودند. اما رشد اقتصادی سال ۱۳۹۳، در سال ۱۳۹۴ ادامه پیدا نکرد. چراکه بخشهای نفت و خودرو نتوانستند در سال ۱۳۹۴ نقش آفرین باشند. نمودار رشد اقتصادی پرفراز و نشیب سالهای ۹۴-۱۳۷۰، به شرح ذیل می‌باشد:



مأخذ: سری های زمانی بانک مرکزی-۱۳۹۵

ریشه اصلی فراز و نشیب سالهای گذشته، به عدم تعیین صنایع پیشران و همچنین اتکا به متغیر بیرونی همچون درآمدهای نفتی بازگشت دارد. لذا این نگرانی وجود دارد که روند مزبور برای سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۵ نیز بوقوع بپیوندد. چرا که تولید و صادرات نفت نمی توانند نقش سال جاری را در رشد اقتصادی سال آتی داشته باشند. بنابراین تعلل در تعیین صنایع پیشران و ساماندهی فعالیتهای اقتصادی حول آنها، فرصت های دست یابی به رشد مناسب اقتصادی در سال ۱۳۹۶ را زایل خواهد ساخت.

۴-۲- برون گرایی:

تجربه جهانی در سه دهه اخیر نشان می دهد که اقتصادهای درون گرا، به رشد بالای اقتصادی دست نیافته اند. اقتصاد ایران نیز بدلائل محدودیتهای مختلف داخلی و بین المللی نیز برغم ظرفیتهای بالقوه فراوان، نتوانسته است طی دهه های گذشته رویکرد مناسبی نسبت به برون گرایی داشته باشد. لذا وضعیت رشد اقتصادی ج.ا.ایران طی سالهای ۹۴-۱۳۶۸، حدود ۳٫۹ درصد بوده است. نکته قابل تامل اینستکه متوسط رشد

اقتصادی دهه اول سند چشم انداز در سالهای ۹۴-۱۳۸۴ نیز حدود ۲,۶ درصد بوده است که میزان "متوسط رو به پائین" محسوب می‌شود. این رقم فاصله فراوانی با اهداف سند (رشد متوسط ۸ درصدی) دارد. لذا حرکت به سمت "اقتصاد برون‌گرا"، یکی از الزامات دستیابی به رشد اقتصادی مناسب است. نمادهای اصلی برون‌گرایی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری است که موجب شکوفایی مزیت‌های ملی می‌شود.

لازم بذکر است هنگامیکه به نقش با اهمیت برون‌گرایی در اقتصاد ملی تاکید می‌شود، باید نسبت به مزیت‌سازی و درون‌زایی نیز اقدامات اساسی صورت گرفته باشد. در غیر اینصورت برون‌گرایی نه تنها برای رشد اقتصادی کارساز نخواهد بود، بلکه زمینه‌ساز نفوذ و وابستگی به بیگانگان خواهد شد.

بهرحال هرچند که برون‌گرایی یکی از مولفه‌های اساسی اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود، اما دچار محدودیت اساسی است. در عرصه داخلی، متأسفانه نسبت به تعریف و تبیین مفهوم برون‌گرایی، "اجماع" لازم بین نخبگان سیاسی کشور وجود ندارد. این امر فرصت‌سوزی‌های مختلفی را تاکنون به همراه داشته است. در عرصه بیرونی نیز برون‌گرایی، در منطقه خاورمیانه دچار چالش‌های مختلفی است که از آن جمله باید به ناامنی و بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای که دارای آثار منفی در خصوص جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همچنین گردشگری است، اشاره کرد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، حدود ۵۰ درصد کاهش داشته است. یکی دیگر از موانع این منطقه، حجم محدود تجارت درون‌منطقه‌ای است. کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تنها دارای ۱۰ درصد تجارت خارجی فیما بین هستند.

۵- دیگر عوامل بازدارنده رشد اقتصادی پایدار و مناسب:

نظام اقتصادی کشور دارای چالش‌های اساسی در مسیر تحقق رشد اقتصادی پایدار و مناسب است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

* بدهی‌های سنگین دولت به بانکها، صندوقهای بازنشستگی و سایر اشخاص حقوقی

* اندازه و ناکارآمدی ساختار دولت

* فساد

* وضعیت بانکها

هریک از مولفه‌های مزبور دارای بازدارندگی اساسی برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و مناسب هستند. دستیابی به راه حل و اصلاح هر یک از آنها، از اصلی‌ترین دغدغه‌های نخبگان سیاسی محسوب می‌شود.

نتیجه گیری:

- ۱- رشته فعالیت نفت، نمی‌تواند نقش اساسی در رشد اقتصادی سال ۱۳۹۶ همچون سال ۱۳۹۵ ایفا نماید.
- ۲- برای جلوگیری از فراز و نشیب رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۵ و عدم تکرار وضعیت سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴، باید به مولفه‌های "رشد پایدار اقتصادی" و غلبه بر "دام متوسط رشد پایین اقتصادی"، به مبانی اقتصاد مقاومتی توجه و تاکید داشت.
- ۳- مبانی اصلی اقتصاد مقاومتی درون‌زایی و برون‌گرایی است. درون‌زایی، به تنوع بخشی در اقتصاد ملی و تعیین صنایع پیشران بازگشت دارد. برون‌گرایی نیز موجب شکوفایی صنایع پیشران و مزیت‌های ملی می‌شود. اما برون‌گرایی در عرصه داخلی دارای چالشهای ذهنی در ترد نخبگان سیاسی است که باید مرتفع گردد.
- ۴- عوامل چهارگانه بازدارنده نیز برای تحقق رشد اقتصادی پایدار و مناسب وجود دارد که باید با عزم ملی نسبت به رفع آنها تلاش کرد.
- ۵- از آنجا که در قلمرو درون‌زایی و برون‌گرایی، اقدامات اساسی و ثمربخش در کشور صورت نگرفته است، لذا ابهام در رشد اقتصادی مناسب برای سال ۱۳۹۶، نسبت به سال ۱۳۹۵ وجود دارد.